

ش

روزنامه

یکشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۰ ۲۱ شعبان ۱۴۴۲ ۴ آوریل ۲۰۲۱

سال هجدهم • شماره ۳۹۶۸ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۱۹:۴۷

اذان صبح فردا ۵:۱۹ • طلوع آفتاب ۶:۴۵

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌روا



در باغ‌موزه مینیاتور تهران مکت‌هایی بسیار زیبا از آثار باستانی که با جزئیات بسیار خوبی ساخته شده‌اند، وجود دارد. عکس: علی احمدوند، آتا

زندگی دیگران

شکست پیشرفت از فساد

۴۰سال گذشته خودشان را از شرایط فقر به شرایط مناسبی برسانند که این رشد ادامه دارد. عراق که از ثروت طبیعی بیشتر برخوردار است، از جنگ‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی رنج می‌برد و اکنون در حال بازسازی و توسعه است.

ترکیه به‌دلیل برخی بلندپروازی‌های پرهزینه قدری عقب افتاده است. اما وضعیت اندونزی که گاهی از آن به‌عنوان یکی از غول‌های اقتصادی آینده نام می‌برند و اینکه چگونه با این همه منابع در موقعیت مطلوبی قرار ندارد، خصوصا در مقایسه با مالزی یا شباهت‌های قومی و منطقه‌ای قابل بررسی است.

اندونزی که سابقا مستعمره هلند بوده است، در زمان استقلال در ۱۹۴۸ فاقد هرگونه زیربنای آکادمیک بود، به‌عبارت‌دیگر نمی‌توانست زیربنای صنعتی هم داشته باشد. درحالی‌که مالزی از آن همان دوران استعمار انگلیس دارای زیربنای آکادمیک، قضائی مناسبی بود. باید همه چیز را دوباره آغاز می‌کرد. «سوکارنو» در این راه تلاش بسیار کرد اما سرانجام در دام کشمکش‌ها و رقابت‌های جنگ سرد گرفتار شد و سوارها تو با کودتای نظامی قدرت را به دست گرفت سوارتو نیز تلاش بسیار در توسعه اقتصادی کشور کرد، اما فساد گسترده مقامات و خانواده او موجب خشم عمومی و شورش و برکناری او شد.

بعد از او نیروهای مردمی با کم‌ریش‌های مذهبی در قدرت سهیم شدند. توسعه شهری و اجتماعی اندونزی در شهر بزرگ جاکارتا و چند شهر شناخته‌شده دیگر بسیار چشمگیر است و به آن ظاهری بسیار مدرن مانند کوالالامپور در مالزی یا مانیل در فیلیپین می‌بخشد. اما همان شهرها دارای حاشیه‌نشین‌های فقیر و عقب‌مانده هستند. توسعه نامتقارن در اندونزی عملا یک دوگانگی اجتماعی قابل‌مقایسه با شرایط پیش از انقلاب ایران ایجاد کرده است.

جمعیت روستایی و جنگل‌نشینان اندونزی بسیار عقب‌مانده‌تر از روستانشینان و قبایل در این آمار چین با نزدیک به ۱۱هزار دلار در جایگاه ۵۹ و مالزی با ۱هزار۷۰۰ دلار در جایگاه ۶۰ قرار دارد. در مورد ایران و ترکیه که در منطقه وضعیت مناسب‌تری دارند، باید گفت که این دو کشور زمینه‌سازی توسعه صنعتی و اقتصادی خود را از صد سال پیش آغاز کرده‌اند. مالزی که به‌همراه تایلند، فیلیپین و ویتنام از آنها به‌عنوان بره‌های آسیا نام می‌برند، توانستند در



فریدون مجلسی

اندونزی با نزدیک به دومیلیون کیلومتر مربع وسعت خاکی و یک‌میلیون کیلومتر مربع آب‌های ساحلی و منطقه ویژه اقتصادی، با جمعیت ۲۸۰ میلیونی و با توجه به اینکه سراسر جزایر و کوه و دشت آن پوشیده از جنگل و سرسبز است، با بهره‌مندی از منابع مختلف معدنی، دریایی و کشاورزی بالقوه کشور بسیار ثروتمندی است. اندونزی به منابع انرژی خودش متکی است و عضو اوپک هم بوده است که به‌دلیل بالا رفتن مصرف داخلی و نقصان صادرات چند بار عضویت خود را تعلیق کرده است.

اما به موجب آمار سال ۲۰۲۰ صندوق بین‌المللی پول، این کشور با چهارهزار دلار، از لحاظ درآمد سرانه، در فهرست کشورها در جایگاه ۱۰۷ قرار دارد، درحالی‌که ایران با همه مشکلات و تحمل تحریم طولانی با درآمد سرانه هفت‌هزارو ۲۵۰ دلار در مقام ۷۸ قرار دارد. برای درک بهتر با مقایسه‌ای منطقه‌ای می‌توان به درآمد سرانه ترکیه با هفت‌هزارو ۷۰۰ دلار در مقام ۷۳ و عراق با چهارهزارو ۴۴۰ دلار در مقام نودوپنجم اشاره کرد. اینها همه کشورهای بزرگ و ثروتمندی هستند که در مقایسه با کشورهای اروپایی و آمریکایی و شرق آسیا در جایگاهی در‌خور خود قرار ندارند.

در این آمار چین با نزدیک به ۱۱هزار دلار در جایگاه ۵۹ و مالزی با ۱هزار۷۰۰ دلار در جایگاه ۶۰ قرار دارد. در مورد ایران و ترکیه که در منطقه وضعیت مناسب‌تری دارند، باید گفت که این دو کشور زمینه‌سازی توسعه صنعتی و اقتصادی خود را از صد سال پیش آغاز کرده‌اند. مالزی که به‌همراه تایلند، فیلیپین و ویتنام از آنها به‌عنوان بره‌های آسیا نام می‌برند، توانستند در

پیشخوان

نوشته با عنوان «عبور از قاعدین زمان» از دیگر مطالب فصلنامه است و همچنین در بخش هنر به فیلم «دیدن این فیلم جرم است» پرداخته شده است؛ فیلمی که قوجانی (سردبیر) با موضوع آن مخالف است و حتی در جلسه‌ای در حوزه هنری آن را نقد کرده است و معتقد است «این فقط یک فیلم نیست، زنگ خطر است!»، در دفاع از اقتصاد آزاد و مبتنی‌بر «سرمایه» مقالات متنوع و میزگردهایی تهیه شده است که یکی از میزگردها درباره «سوسیالیسم تخلیه‌ی» است با حضور «موسی غنی‌نژاد و احمد نقیب‌زاده». این نشریه گوشه‌چشمی به انتخابات نیز دارد و گزارش ماه را به محمدجواد طریف با عنوان «دولت تکنوکرات، رئیس دیپلمات، اختصاص داده و آن را پیش‌بینی انتخاباتی دانسته است، با این توضیح: «خبرهای آگاهی نو حاکی از آن است که اصلاح طلبان و اعتدال‌گرایان

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۰ ۲۱ شعبان ۱۴۴۲ ۴ آوریل ۲۰۲۱

سال هجدهم • شماره ۳۹۶۸ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۱۹:۴۷

اذان صبح فردا ۵:۱۹ • طلوع آفتاب ۶:۴۵

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌روا



در باغ‌موزه مینیاتور تهران مکت‌هایی بسیار زیبا از آثار باستانی که با جزئیات بسیار خوبی ساخته شده‌اند، وجود دارد. عکس: علی احمدوند، آتا

زندگی دیگران

شکست پیشرفت از فساد

۴۰سال گذشته خودشان را از شرایط فقر به شرایط مناسبی برسانند که این رشد ادامه دارد. عراق که از ثروت طبیعی بیشتر برخوردار است، از جنگ‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی رنج می‌برد و اکنون در حال بازسازی و توسعه است.

ترکیه به‌دلیل برخی بلندپروازی‌های پرهزینه قدری عقب افتاده است. اما وضعیت اندونزی که گاهی از آن به‌عنوان یکی از غول‌های اقتصادی آینده نام می‌برند و اینکه چگونه با این همه منابع در موقعیت مطلوبی قرار ندارد، خصوصا در مقایسه با مالزی یا شباهت‌های قومی و منطقه‌ای قابل بررسی است.

اندونزی که سابقا مستعمره هلند بوده است، در زمان استقلال در ۱۹۴۸ فاقد هرگونه زیربنای آکادمیک بود، به‌عبارت‌دیگر نمی‌توانست زیربنای صنعتی هم داشته باشد. درحالی‌که مالزی از آن همان دوران استعمار انگلیس دارای زیربنای آکادمیک، قضائی مناسبی بود. باید همه چیز را دوباره آغاز می‌کرد. «سوکارنو» در این راه تلاش بسیار کرد اما سرانجام در دام کشمکش‌ها و رقابت‌های جنگ سرد گرفتار شد و سوارها تو با کودتای نظامی قدرت را به دست گرفت سوارتو نیز تلاش بسیار در توسعه اقتصادی کشور کرد، اما فساد گسترده مقامات و خانواده او موجب خشم عمومی و شورش و برکناری او شد.

بعد از او نیروهای مردمی با کم‌ریش‌های مذهبی در قدرت سهیم شدند. توسعه شهری و اجتماعی اندونزی در شهر بزرگ جاکارتا و چند شهر شناخته‌شده دیگر بسیار چشمگیر است و به آن ظاهری بسیار مدرن مانند کوالالامپور در مالزی یا مانیل در فیلیپین می‌بخشد. اما همان شهرها دارای حاشیه‌نشین‌های فقیر و عقب‌مانده هستند. توسعه نامتقارن در اندونزی عملا یک دوگانگی اجتماعی قابل‌مقایسه با شرایط پیش از انقلاب ایران ایجاد کرده است.

جمعیت روستایی و جنگل‌نشینان اندونزی بسیار عقب‌مانده‌تر از روستانشینان و قبایل

تحلیل

مسائل روانی پس از پایان همه‌گیری

بزرگ‌تر این علائم واکنش‌های روانی بهنجار به تغییر شرایط است که قاعدتا با گذشت زمان و در افرادی که تاب‌آوری قابل‌قبول دارند، با درپیش‌گرفتن رفتارهای سالم برای بازگشت به زندگی عادی، برطرف خواهد شد. بخشی هم به توجه بالینی نیاز دارند. به‌هرحال، باید برای هر دو دسته و ژانویه ۲۰۲۱ در مجله لنست منتشر شد. نشان می‌دهد که اضطراب و احساس تنهایی در دوران منع رفت‌وآمد به بالاترین سطح خود رسیده است. مطالعه‌ای کوچک‌تر که روی ۲۴۰ نفر در آمریکا انجام شده است، نشان می‌دهد که نشانه‌های اضطراب اجتماعی و احساس انزوا در دوران همه‌گیری افزایش چشمگیر داشته است. برخی بررسی‌های اخیر نشان می‌دهند که درصد قابل‌توجهی از مردم از بازگشت مجدد به جامعه نگران‌اند. به ویژه، نگران‌اند که اگر بازگشایی‌ها به‌سرعت انجام شود، دوباره همه‌گیری اوج بگیرد. حدود نیمی از آمریکاییان گزارش کرده‌اند که در بازگشت به تعاملات شخصی و نزدیک با افراد دیگر، بعد از همه‌گیری، احساس ناراحتی می‌کنند. بازگشت به جامعه و زندگی نرمال با تماس‌های نزدیک معمول ایجاد استرس و اضطراب می‌کند؛ اضطرابی که برخی از آن با عنوان «نشانگان ورود مجدد» و برخی با عنوان «اضطراب اجتماعی پساکوئید» نام می‌برند. بخشی از این نشانگان و علائم طبیعی است. منطقی است که پس از یک سال دوری از محیط بیرون و ماندن در خانه و کنترل‌کردن تماس‌ها و اشیاء و افراد، بازگشت به جامعه و روابطی که آن چنان هم تحت کنترل ما نیستند اضطراب‌زاست. یک سال جفت‌شدن «عبور و مرور و تعامل با مردم» با «بیماری و بستری و مرگ» ذهن‌ها را شرطی کرده و طبیعی است که مواجهه با عواملی که این اضطراب را برمی‌انگیزند، یعنی بازگشت به زندگی عادی پیشاکوئید، زنجیره اضطراب را در ذهن و بدن انسان‌ها راه بیندازد. دوری از دیگران، ماندن در خانه و تحت کنترل داشتن شرایط حس امنیتی را ایجاد می‌کرد که با کنارگذاشتن آن مراقبت‌ها حس امنیت نیز متزلزل می‌شود. در واقع، می‌توان انتظار داشت بسیاری از افرادی که دچار اضطراب، وسواس، اضطراب اجتماعی و اختلال استرس پس از آسیب (PTSD) مرتبط با کوئید هستند، پس از بازگشایی‌ها و بازگشت به زندگی نرمال تازه علائم خود را به شکل جدی نشان بدهند. آیا می‌توانم در محل کارم، در رستوران یا فروشگاه، یا در مطب دکتر و در میهمانی ماسک خود را بردارم و نگران نباشم که خودم مبتلا بشوم یا کسی را مبتلا کنم؟ آیا می‌توانم بدون نگرانی بچام را دوباره به مدرسه فرستم؟ همان‌طور که بزور همه‌گیری و سبک زندگی همراه آن تبعات روانی جدی داشته است، کنترل همه‌گیری و بازگشت به زندگی نرمال هم با فرازونشیب‌هایی همراه خواهد بود. بخش



سامان توکللی روان‌پزشک

به همراه دارد. تحقیقات قبلی نشان داده‌اند که در دوران همه‌گیری جهانی کوئید۱۹ سطح اضطراب در جامعه به شکل بسیار بازری افزایش پیدا کرده است (گزارش استرس در آمریکا ۲۰۲۱، انجمن روان‌شناسی آمریکا). مطالعه‌ای در اروپا که نمونه‌ای بالغ بر ۲۰۰ هزار نفر داشته و ژانویه ۲۰۲۱ در مجله لنست منتشر شد. نشان می‌دهد که اضطراب و احساس تنهایی در دوران منع رفت‌وآمد به بالاترین سطح خود رسیده است. مطالعه‌ای کوچک‌تر که روی ۲۴۰ نفر در آمریکا انجام شده است، نشان می‌دهد که نشانه‌های اضطراب اجتماعی و احساس انزوا در دوران همه‌گیری افزایش چشمگیر داشته است. برخی بررسی‌های اخیر نشان می‌دهند که درصد قابل‌توجهی از مردم از بازگشت مجدد به جامعه نگران‌اند. به ویژه، نگران‌اند که اگر بازگشایی‌ها به‌سرعت انجام شود، دوباره همه‌گیری اوج بگیرد. حدود نیمی از آمریکاییان گزارش کرده‌اند که در بازگشت به تعاملات شخصی و نزدیک با افراد دیگر، بعد از همه‌گیری، احساس ناراحتی می‌کنند. بازگشت به جامعه و زندگی نرمال با تماس‌های نزدیک معمول ایجاد استرس و اضطراب می‌کند؛ اضطرابی که برخی از آن با عنوان «نشانگان ورود مجدد» و برخی با عنوان «اضطراب اجتماعی پساکوئید» نام می‌برند. بخشی از این نشانگان و علائم طبیعی است. منطقی است که پس از یک سال دوری از محیط بیرون و ماندن در خانه و کنترل‌کردن تماس‌ها و اشیاء و افراد، بازگشت به جامعه و روابطی که آن چنان هم تحت کنترل ما نیستند اضطراب‌زاست. یک سال جفت‌شدن «عبور و مرور و تعامل با مردم» با «بیماری و بستری و مرگ» ذهن‌ها را شرطی کرده و طبیعی است که مواجهه با عواملی که این اضطراب را برمی‌انگیزند، یعنی بازگشت به زندگی عادی پیشاکوئید، زنجیره اضطراب را در ذهن و بدن انسان‌ها راه بیندازد. دوری از دیگران، ماندن در خانه و تحت کنترل داشتن شرایط حس امنیتی را ایجاد می‌کرد که با کنارگذاشتن آن مراقبت‌ها حس امنیت نیز متزلزل می‌شود. در واقع، می‌توان انتظار داشت بسیاری از افرادی که دچار اضطراب، وسواس، اضطراب اجتماعی و اختلال استرس پس از آسیب (PTSD) مرتبط با کوئید هستند، پس از بازگشایی‌ها و بازگشت به زندگی نرمال تازه علائم خود را به شکل جدی نشان بدهند. آیا می‌توانم در محل کارم، در رستوران یا فروشگاه، یا در مطب دکتر و در میهمانی ماسک خود را بردارم و نگران نباشم که خودم مبتلا بشوم یا کسی را مبتلا کنم؟ آیا می‌توانم بدون نگرانی بچام را دوباره به مدرسه فرستم؟ همان‌طور که بزور همه‌گیری و سبک زندگی همراه آن تبعات روانی جدی داشته است، کنترل همه‌گیری و بازگشت به زندگی نرمال هم با فرازونشیب‌هایی همراه خواهد بود. بخش

زمین سبز

تأثیر قانون دوم نیوتن

به این توسعه جنگلی در پاکستان با افتخار می‌گفت که ما برای شما اکسیژن تولید کرده‌ایم اما شما در مقابل چه کرده‌اید؟ سؤالی که پاسخ درخور و شایسته‌ای برای آن نداشتیم و باید سرمان را پایین می‌انداختیم، زیرا در مدت مشابه ما میزان و وسعت جنگل‌های کشورمان را به‌شدت کاهش داده‌ایم. طبیعتا این روشی نیست که ما بخواییم در دنیا آن را ادامه دهیم و به‌عنوان بخشی از جامعه جهانی هم قلمداد شویم. وقتی که فاجعه چرنوبیل رخ داد، حدود پنج‌ونیم هزار کیلومتر در غرب این فاجعه مراع وژ در بریتانیا سسمی شدند و منجر به کشتار دسته‌جمعی چیزی نزدیک به ۱۲ هزار رأس گاو و گوسفند شد. یا وقتی دیوانه‌ای مثل صدام حسین جاهای نفت خود را آتش زد در شرق و در هندوستان باران‌های قیرگون بارید. اینها همان عکس‌العمل‌هایی است که در مقابل اعمال و تصمیمات مردم بخشی از جهان در بخش دیگر آن بروز و ظهور پیدا کرده است. شاید همین دو مثال کافی باشد تا ما به مسئولیت‌مان جدایی از هند توانسته بود وسعت جنگل‌ها را دوبار برابر بکند و الان چیزی نزدیک به ۱۱ میلیون هکتار جنگل دارند؛ درحالی‌که این عدد در زمان جدایی از هند چیزی حدود پنج هکتار بود. این استاد دانشگاه پاکستان با اشاره



اسماعیل کهرم

پایان صد سال و گذاشتن به دوران جدید شاید بهانه‌ای باشد برای اینکه نگاهی به خودمان و وضعیت‌مان در دوران جدید داشته باشیم. شاید به این بهانه بد نباشد که نگاهی به وضعیت محیط‌زیستی ایران در آستانه سده جدید بیندازیم و ببینیم ایران در ۱۴۰۰ به چه الزاماتی برای محیط‌زیستش نیاز دارد؟ من تصور می‌کنم که ایران به خاطر تاریخ طولانی و درخشانش و نیز به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و همچنین به خاطر داشته‌هایی اقتصادی که امروز مهم به شمار می‌آیند، همیشه مطرح بوده و همیشه مطرح خواهد بود. برای اینکه ما بتوانیم در دنیای امروز و در دنیای صد سال آینده نقش مؤثری را بازی کنیم، باید خودمان را عضوی از جامعه جهانی بدانیم. یادگیری از جامعه جهانی به این معنی است که حداقل بدانیم هر اقدامی که از‌سوی ما صورت می‌گیرد، نتیجه و پیامدی برای ما دارد. درواقع همان‌طور که نیوتن سال‌ها پیش گفته هر

ایران در انتظار واکنس

نگرانی‌ها درباره موج چهارم کرونا در ایران در حالی بالا گرفته که همچنان دورنمای روشنی درباره واکنس‌بسیون عمومی در ایران وجود ندارد. در این میان تنها اظهارنظرهای متناقض فراوانی دیده می‌شود که بر ابهام موجود می‌افزاید. آنچنان که گزارش‌های جهانی نشان می‌دهد، بعد از واکنس‌بسیون ۷۰ درصد مردم، امکان بازگشت زندگی به شرایط قبل از کرونا وجود دارد و ممکن است شبح ماسک و ویروس از زندگی‌ها برداشته شود. اما ما در ایران با واکنس‌بسیون ۷۰درصدی جامعه چقدر فاصله داریم؟ برای اینکه بدانیم چقدر وضعیت مبهم و غیرشفاف است، بد نیست این دو اظهارنظر از مسئولان ایرانی را کنار هم بگذاریم. علیرضا رئیسی، سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا، در ۱۱ اسفند ۱۳۹۹ گفته بود: «پیش‌بینی ما این است که از تیرماه به بعد، ماهانه ۲۰ میلیون دوز واکنس تزریق کنیم و تا آذر، کل جمعیت مدنظر را که حدود ۵۶ تا ۵۹ میلیون نفر است و به ۱۲۰ میلیون دوز

پرنده آبی

واکنس نیاز دارند، واکنسینه کنیم». این در حالی است که روز گذشته مصطفی قانعی، رئیس کمیته علمی ستاد مقابله، اعلام کرده است: «واکنس‌بسیون همگانی کرونا از حدودا مهرماه امسال است». این در حالی است که کشورهای دنیا با سرعت قابل قبولی در حال انجام واکنس‌بسیون عمومی هستند و تلاش می‌کنند زندگی را به شرایط قبل از کرونا بازگردانند. در این میان اظهارات چهره‌هایی مثل وزیر بهداشت نیز با حواشی فراوانی مواجه شده است. درحالی‌که واکنس‌بسیون کادر درمان در ایران همچنان با ابهام‌هایی مواجه است. سعید نمکی از تبدیل‌شدن ایران به قطب صادرات واکنسن خبر می‌دهد. محمدرضا ظفرقندی، رئیس کل سازمان نظام پزشکی ایران، روز دوازدهم فروردین با اشاره به نگرانی‌هایی برای تأمین دوز دوم واکنس کرونای کادر درمان در ایران، به خیرگزاری مهر گفت: «ما در سازمان نظام‌پزشکی پیش‌بینی کرده بودیم ظرفیت تولید جهانی واکنسن که در اختیار چند کشور معدود است، پاسخ‌خوبی نیاز جهانی نخواهد بود. در واقع وضعیت رفته است.